

۲۲۲۳۱۵۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انسان معنوی در نگاه
ابن سینا و علامه طباطبائی



مؤلف:

زینب بیرانوند

سرشناسه	: بیرانوند، زینب، ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآور	: انسان معنوی در نگاه ابن سینا و علامه طباطبایی / مولف زینب بیرانوند
مشخصات نشر	: تهران؛ کتاب آوا. ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۶۳۸-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: انسان‌شناسی دین -- فلسفه
موضوع	: طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- دیدگاه درباره معنویت
شناسه افزوده	: طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- دیدگاه درباره انسان‌شناسی
رده‌بندی کنگره	: ۴۵۰BD
رده‌بندی دیویی	: ۱۲۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۳۱۷۷۳

انسان معنوی در نگاه ابن سینا و علامه طباطبایی



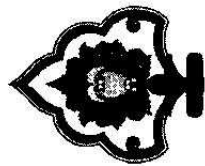
مؤلف:	زینب بیرانوند
ناشر:	کتاب آوا
نوبت چاپ:	اول ۱۴۰۰
شمارگان:	۲۰۰ نسخه
قیمت:	۳۸.۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۶۳۸-۸

نشانی مراکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن‌بست حقیقت، پلاک ۴، واحد ۴
شماره‌های تماس: ۶۶۹۷۴۱۳۰ - ۶۶۴۰۷۹۹۳ - ۶۶۹۷۴۶۴۵ - ۶۶۹۷۴۶۴۵ - ۶۶۴۶۱۱۵۸ دورنگار: ۶۶۴۶۱۱۵۸

www.avabook.com Email: avabook_kazemi@yahoo.com

نشانی فروشگاه: اسلامشهر، خیابان صیاد شیرازی (خیابان دانشگاه)، جنب فرمانداری
شماره تماس: ۵۶۳۵۴۶۵۱

هرگونه تکثیر این اثر از طریق ارسال یا بارگذاری فایل الکترونیکی، یا چاپ و نشر کاغذی آن بدون مجوز ناشر، به هر شکل، اعم از فایل، سی‌دی، افسیت، ریسوگراف فتوکپی، زیراکس یا وسایل مشابه، به صورت متن کامل یا صفحاتی از آن، تحت هر نام اعم از کتاب، راهنما، جزوه، یا وسیله کمک آموزشی، در فضای واقعی یا مجازی، و همچنین توزیع، فروش، عرضه یا ارسال اثری که بدون مجوز ناشر تولید شده، موجب پیگرد قانونی است.



انسان در دنیای معاصر نیازمند تدوین مدل و سبک معناداری از زندگی است تا با رصد کردن نقطه تعالی و کمال، بر محور آن حرکت کند و به مسیر هدایت رهنمون شود. رسیدن به چنین مدلی از زندگی که ضرورت آن از سوی بسیاری از انسان شناسان و فیلسوفان الهی و حتی غیر الهی مورد تأکید قرار گرفته، نیازمند ارائه الگوی شایسته‌ای به نام «انسان معنوی» است.

در معرفی انسان و مباحث مربوط به انسان‌شناسی، ابعاد و جنبه‌های گوناگونی وجود دارد که مورد توجه دانشمندان و انسان‌شناسان و همین‌طور صاحبان مکاتب قرار گرفته است؛ که در این بین، یکی از مهم‌ترین محورهای بحث از انسان مربوط است به معنویت و گرایش‌های معنوی او. معنویت برای انسان قدمتی به درازای تاریخ آفرینش او دارد؛ زیرا «خداوند از همان آغاز خلقت بشر، او را مرکب از دو جنبه‌ی مادی و الهی آفرید و اصالت را به جنبه‌ی معنوی و روحانی داد». آنجا که در آیات ۱۲-۱۴ سوره مؤمنون، می‌فرماید: «و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طين ثم جعلناه نطفه في قرارمکين ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا علقه مضغه فخلقنا المضغه عظاماً فکسونا العظام لحماً ثم انشأناه خلقاً اخرَ فتبارک الله احسن الخالقين». ما انسان را از چکیده‌ای از گل تیره پدید آوردیم پس آنگاه او را نطفه‌ای کردیم در قرارگاهی محفوظ قرارش دادیم آنگاه نطفه را علقه و علقه را مضغه کردیم و سپس آن مضغه را استخوان کردیم پس بر آن استخوان‌ها گوشتی پوشانیدیم پس از آن آفرینی نوین با «دمیدن روح» به او بخشیدیم پس آفرین بر خدا که بهترین

آفرینندگان است. این آیات به خوبی نشان می‌دهند که بعد از آفرینش اولیه انسان (جسم آدمی)، خلقت در مرحله‌ی بعدی، شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد و انسان با یک جهش بزرگ، گام در دنیای بالاتری می‌گذارد، که فاصله‌ی آن با مرحله‌ی قبل، آنقدر زیاد است که تعبیر از آن، با جمله‌ی «ثُمَّ خَلَقْنَا» کافی نبود پس «ثُمَّ انْشَأْنَا» فرمود. در این مرحله انسان از همه‌ی موجودات ممتاز گردیده و شایسته خلافت خدا در زمین می‌شود. لذا همه‌ی این شایستگی‌ها به خاطر وجود روح، و بُعد معنوی انسان است. این در حالی است که بسیاری از جوامع به علت عدم بهره‌مندی و یا عدم توجه کافی به این تعالیم با پرداختن به افراط و تفریط و غرق شدن در مادیات و توجه بیش از حد به یک بعد از ابعاد وجودی خویش در سرگردانی شدیدی گرفتار آمده‌اند. مخصوصاً در دنیای غرب بر اثر نوگرایی که اساس آن بر «انسان‌محوری» و «دنیاگرایی» بنا شده بود، توجه انسان‌ها را به تلاش در جهت ساختن و به پیش بردن بیشتر از دنیا وا داشت. تا جایی که بذل توجه به بعد بیرونی و غفلت از بعد درونی انسان، او را در دراز مدت با بحران‌های سخت و خردکننده‌ی روحی - روانی رو به رو کرد. شدت گرفتن این بحران‌ها، ابواب فضل و صاحبان اندیشه را به چاره‌جویی واداشت تا آنجا که بر آن شدند به عرصه‌ی جدیدی پا نهاده تا خلأ موجود را از بین ببرند، لذا به سمت معنویت‌گرایی گرایش پیدا نمودند.

جهان غرب پس از چندصد سال گریز از معنا و معنویت و شتاب در سیر عقلانیت‌ایزاری و تجربه‌گرایی رو به گرایش‌های درونی و تجربه‌های باطنی آورد و موج معناطلبی در آن سخت بالا گرفت. تا جایی که هم‌اکنون باطن‌گرایی غرب به شکل فرقه‌های گوناگون فکری در قالب‌های مختلف علمی و هنری به سراسر دنیا عرضه می‌شود و جهان اسلام نیز از این عرضه بی‌نصیب نمانده است. ورود این افکار به ایران به تلاقی و درآمیختگی آن با عنوان عرفان انجامید و سرانجام از آن با نام عرفان‌های توفه‌ور یاد شد. این عرفان در عرض عرفان اسلامی، عرضه و به

منزله‌ی رقیبی در برابر آن قرار گرفت، در حالی که در این تعالیم نه شایستگی رقابت بود و نه امکان این تلفیق وجود داشت. اما نفوذ و رشد این تعالیم در میان برخی از جوانان ما حاکی از این مطلب است که، جامعه ما با وجود برخورداری از فلسفه‌ی اسلامی و عرفان غنی، به دلیل عدم توجه علمی پژوهشگران و اهل فن به این مقوله، نتوانسته است به معرفی عرفان و معنویت اسلامی پرداخته و شایستگی و جامع بودن آن را که موجب معنا دهی واقعی و نشاط و یویایی در جامعه و زندگی انسان‌ها است را ارائه دهد. کتاب حاضر تلاش دارد، به تبیین و تحلیل دیدگاه‌های دو اندیشمند و دو فیلسوف الهی، ابن‌سینا به عنوان یک متفکر عقل‌گرا، و علامه‌ی طباطبایی به عنوان یک حکیم صاحب نظر در حکمت متعالیه، در خصوص «انسان معنوی» و ویژگی‌های آن پرداخته و با شاخص قرار دادن عقل و وحی، مدلی از انسان معنوی معقول را جهت دستیابی به زندگی معادل، ارائه نموده است.

در این کتاب، طی دو بخش، مبانی نظری و ویژگی‌های انسان معنوی از دیدگاه هر دو متفکر، بررسی شده و در یک بخش با تطبیق آرای آنان، وجوه اشتراک و اختلاف به دست آمده است. انسان معنوی در حکمت سینوی به وجهی همان «انسان معقول» و در اندیشه علامه‌ی طباطبایی، برخوردار از صیغه‌ی دینی و مبتنی بر گرایش‌ات فطری است. گرچه انسان معرفی شده توسط آن دو مشترکاتی دارند، اما در اندیشه‌ی علامه طباطبایی به دلیل تکیه بر تعالیم دینی در کنار دریافت‌های عقلی، از برجستگی خاصی برخوردار است.